

تدوین چشم انداز فرهنگی حوزه علمیه بر اساس شاخصه های تحقق تمدن نوین اسلامی - فرزانه قضاوی (بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری)

تدوین چشم انداز فرهنگی حوزه علمیه بر اساس شاخصه های تحقق تمدن نوین اسلامی - فرزانه قضاوی (بر

اساس دیدگاه مقام معظم رهبری)

فرزانه قضاوی^[1]

چکیده:

یکی از نیازهای تدوین چشم انداز حوزه های علمیه در بخش فرهنگی، شناخت مؤلفه های تمدن نوین اسلامی به عنوان هدف بلند مدت در اجرای برنامه های فرهنگی است. در این مقاله تلاش شده تا شاخصه های این تمدن در اندیشه مقام معظم رهبری به مثابه یک متفکر و اندیشمند اسلامی مورد واکاوی قرار گیرد و با نظر به ضرورت تدوین چشم انداز فرهنگی حوزه های علمیه بر اساس این شاخصه ها، مؤلفه های کارکردی در این بخش استخراج گردد. پنج بخش نظریه پردازی و تدوین قوانین، اجرای قوانین، برنامه های تبلیغاتی، تربیت نیروی انسانی و روابط و تعاملات بین المللی در حوزه فرهنگ از زیر مجموعه های استخراج شده در این مقاله است.

کلیدواژه ها: چشم انداز فرهنگی، تمدن نوین اسلامی، حوزه علمیه، مقام معظم رهبری

مقدمه

تمدن نوین اسلامی تمدنی است که در بستر فرهنگ اسلامی رشد کرده و نظامات گوناگون آن ریشه در باورهای بنیادین اسلامی دارد و موجد توسعه و پیشرفت در جلوه های مادی و معنوی امت اسلام است.

از نظر مقام معظم رهبری نیز هدف نهایی انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن نوین اسلامی در زنجیره ای منطقی و مستمر است. جهت تحقیق این امر حوزه های علمیه به عنوان یکی از مهم ترین متولیان سیاستگذاری فرهنگی با یستی این مولفه های تحقق تمدنی را شناخته و چشم انداز و برنامه های خود را براساس این مولفه ها پی ریزی نمایند. به عبارت دیگر تحقق تمدن نوین اسلامی بدون داشتن نقشه راه و الگویی جامع ممکن نخواهد بود که این نقشه و الگو برآیند چشم اندازهای فرهنگی در موسسات فرهنگ محور میباشد. حوزه علمیه هم به عنوان متولی سیاستگذاری فرهنگی لازم است چشم انداز فرهنگی خود را بر اساس مولفه های تحقق تمدن نوین اسلامی صورت بدهد. هدف اصلی این مقاله در وهله نخست واکاوی و شناخت مولفه های تحقق تمدن نوین اسلامی و الزامات آن در سخنان مقام معظم رهبری است و در مرحله دوم شناخت شاخصه های چشم انداز فرهنگی حوزه براساس این مولفه ها. نتیجه تعبیر دیگر دو سوال اصلی در این مقاله مطرح است: سوال اول این که از نظر مقام معظم رهبری شاخصه های تحقق تمدن نوین در بعد فرهنگی کدام است؟ سوال دوم این که شاخصه های فرهنگی حوزه علمیه در تدوین چشم انداز کدام است؟ پیشینه تحقیق: ملاشاهی (1394) در مقاله پژوهشی خود " اقتضائات تحقق تمدن نوین اسلامی" سه بعد اساسی عقلانیت، اخلاق و معنویت در تمدن سازی را بررسی کرده و نسبت و رابطه هر کدام را با موضوع تمدن بررسی میکند. وی در بعد اخلاقی تمدن سازی اسلامی مولفه هایی چون حس کرامت، اصالت اخلاقی، پرهیز از خودستایی، مدارا و سعه صدر، مهرورزی و در بعد عقلانی مولفه های اجتهاد پویا، مدیریت کارآمد، اهتمام به دانش بومی،

عبرت گيري و در بعد معنوي مولفه هاي نگرش توحيدى، مقابله با عناصر معنوي كاذب و تبیین درست مولفه هاي معنوي را معرفي ميکند. رجبى و دوانى (1394) در مقاله پژوهشى خود عناصر تمدن نوين اسلامي را عقل گرایی، عدالت گرایی، علم گرایی، جامع گرایی، جهان گرایی، آسان گيري و اخلاق گرایی را معرفي کرده است و از الزامات تمدن نوين اسلامي به اين موارد اشاره نموده است. توجه به علومو معارف قرآني، تلاش مجدانه با اعتقاد راسخ به تدوين نقشه راهبردي و کلان تربيت انسان متعالي، رعايت ارزشهاي اخلاقي در بعد علمي و عملي، بومي سازي علمي و فرهنگي، اصلاح سبک زندگي و رعايت ارزش هاي اخلاقي از ديگر زیرمجموعه هاي اشاره شده است. جهان بين و معيني پور (1393) در مقاله پژوهشي خود تحت عنوان "فرآيند تحقق تمدن نوين اسلامي از منظر مقام معظم رهبري" براي تحقق سه مرحله از زنجيره تمدن اسلامي (دولت اسلامي، تمدن اسلامي، جامعه اسلامي) پيمودن چهار گام را لازم ميدانند. 1- توليد نظريه توسط حوزه علميه 2- توليد علم توسط دانشگاه 3- کاربست در سطح خرد توسط گروههاي خودجوش نخبگان و 4- گفتمان سازي.

ملكي (1392) عامل انساني آگاه (تربيت نيروي انساني و مديران لايق) همراه با ظرفيت سازي و پرورش نيروهاي کارآمد متناسب با رسالات انقلاب اسلامي را از الزامات تمدن سازي ميدانند و معتقد است تمدن سازي پديده اي چند بعدي است که به مديريت کارآمد نياز ميرم دارد. همچنين اجتهاد پويا و احساس هويت و خودباوري به معني اتکاي به ارزشهاي اصیل الهي و ارزشهاي خودي را از الزامات تمدن سازي ميدانند. حسن ملايي (1394) جايگاه و کارکردهاي آموزه مهدويت و انتظار در شکل گيري تمدن نوين اسلامي را برسي کرده و معتقد است که در راستاي ايجاد تمدن اسلامي از فرهنگ انتظار و مهدويت کارکردهاي فراواني ميتوان استخراج کرد که برخي از آنها عبارتند از : اميد به تحقق تمدن نوين اسلامي، جهاد و تلاش در مسير تحقق، اخلاص در جهاد، وحدت مردم و مسئولان و نيروسازي و توجه جدي به جوانان.

1. مفهوم تمدن و معنای اصطلاحی آن

مفهوم تمدن civilization معادل تمدن یا حضاره است. اين واژه در زبان انگليسي از لغت civis به معني شهروند و شهرنشين گرفته شده و براي دلالت بر ويژگي هايي مانند لطف، کياست و لياقت مورد استفاده قرار گرفته است که دستاورد شهرنشيني است يا براي پيشرفت و ترقي افراد و جمعيتهاي شهرنشين استفاده ميشود (سپهري، 1385، ص 35). در فرهنگ فارسي تمدن اين چنين تعريف شده است: تمدن يعني شهرنشين شدن، خوي شهري گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگي اجتماعي، همکاري مردم با يکديگر در امور زندگاني و فراهم کردن اسباب ترقي و آسايش خود. (عميد، 1389، ص 530). در عربي تمدن از واژه "حضر" اخذ شده است که معنای آن اقامت کردن، استقرار يافتن و در تعريف اجتماعي همان شهرنشيني

است. حضاره (شهر) به عکس بداوت (بادیه) نامیده میشود. (ولایتی، 1384، ص 33). مولف کتاب "التحقیق" واژه مدن را مأخوذ از لغت عربی و سریانی و واژه مدین و مدینه را از ماده "دین" به معنای پذیرش و خضوع در برابر برنامه ها، قوانین و مقررات میداند. (مصطفوی، 1360، ص 55). بعضی مدینه را از "دان یدین" میداند و میم آن را زائد گرفته اند (اصفهانى، 1415ق، ص 663). ابن خلدون در تعریف تمدن مؤلفه های جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبیت را معتبر دانسته است (آدمی، 1387، ص 31). به اعتقاد ابن خلدون در اجتماع، انسان دارای سرشت اجتماعی و مدنی است یعنی ناگزیر است که اجتماعی تشکیل دهد (ابن خلدون، 1371، ص 77). به اعتقاد علامه جعفری "تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان های یک جامعه که تصادم ها و تراحم های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را جایگزین آن نموده اند، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه های آن، موجب بروز و به فعالیت رساندن استعدادهای سازنده آن ها باشد (جعفری، 1373، ص 77). در اندیشه امام خمینی (ره) مفهوم تمدن در قالب معانی مختلفی بیان شده است. ایشان تمدن را از فرهنگ متمایز ساخته و معتقدند "فرهنگ یک ملت در رأس تمدن آن واقع شده است و فرهنگ بایستی فرهنگی موافق با تمدن باشد. تعریف امام (ره) بیانگر دستاوردهای مادی برای ادامه زندگی و توسعه و ترقی است. در این تعریف، فرهنگ که بیشتر دستاوردهای معنوی انسان را شامل میشود، مقدم بر مفهوم تمدن است. (فوزی و صنم زاده، 1391، ص 22).

2. تعریف شاخص

شاخص در لغت به معنای برآمده، مرتفع، چشمگیر، برجسته و آن چیزی است که مقدارش ماهیت چیزی را بیان میکند. (عمید، 1382، ص 1105). شاخص، کمیتی است که نماینده چند متغیر همگن است و وسیله ای برای اندازه گیری و مقایسه پدیده هایی است که ماهیت و خاصیت مشخصی داشته و بر مبنای آن میتوان تغییرات ایجاد شده در متغیرهای معینی را در طول یک دوره بررسی کرد. هر تمدنی شاخصه هایی دارد که شامل اقتصادی، شهری، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و... است. (جان احمدی، 1388، ص 29-30)

تعریف تمدن اسلامی

تمدن اسلامی تمدنی دینی است که همه مؤلفه های آن بر محور اسلام میگردد. تمدن اسلامی از همه ویژگی های تمدن الهی در چارچوب آموزه های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

برخوردار است و مؤلفه های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات و اصول دینی است. (جان احمدی، 1388، 51-52). مقام معظم رهبری در تعریف تمدن اسلامی میفرمایند: "تمدن اسلامی فضایی است که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی میتواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است؛ زندگی خوب و عزت مندانه ای داشته باشد؛ انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان جمهوری اسلامی این است" (بیانات مقام معظم رهبری، 14/6/1392). در این تعریف، ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که منجر به تکامل و قرب او به خدا میشود.

در جمع بندی آرای فوق نکات زیر را میتوان بیان کرد:

- 1- تمدن اسلامی بر اساس آیات قرآن و توسط پیامبر (صلي الله عليه و آله) برنامه ریزی شده است.
 - 2- تمدن اسلامی همه ابعاد معنوی و مادی بشر را در همه مکان ها و زمان ها شامل میشود.
 - 3- از آنجا که تمدن اسلامی بر پایه فرهنگ و اخلاق متکی است، دارای پویایی است.
- به طور کلی تمدن اسلامی شامل همه دستاوردهای فرهنگی، علمی، مذهبی، اخلاقی و مادی مسلمانان است که از عصر پیامبر شروع و با گسترش قلمرو اسلامی در همه ابعاد پیشرفت و گسترش داشته است.
3. شاخصه های تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

در اندیشه مقام معظم رهبری، شاخصه های تمدن نوین اسلامی، بهره مندی انسان ها از همه ظرفیتهای مادی و معنوی است که خداوند برای تامین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. محوریت قرآن، ایمان، اخلاق، علم، مجاهدت، حکومت مردمی، اندیشه پیشرفته، اجتهاد، پاسخگویی به نیازهای نوین بشر، پرهیز از تحجر و ارتجاع و بدعت و التقاط، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، تکاثر و دفاع از مظلومان عالم است که وجه مشترک شاخصه های تمدن اسلامی در دیدگاه ایشان و سایر اندیشمندان اسلامی است. ایشان از ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین الملل، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای نوین بشر به عنوان شاخصه های تمدن نوین اسلامی یاد میکنند که همین شاخصه ها قابلیت این را دارند که جهان بینی مادی طالمانه غرب

4. الزامات کاربردي تحقق تمدن نوین اسلامي در اندیشه های مقام معظم رهبري

از آن جا که این مقاله مؤلفه های تمدن اسلامي را از دید و نظرگاه مقام معظم رهبري استخراج مینماید و اگر نیاز به طبقه بندی این مؤلفه ها باشد، چه بهتر که تقسیم بندی این مؤلفه ها از دیدگاه خود ایشان انجام شود. به اعتقاد معظم له مؤلفه های تمدن نوین اسلامي به دو بخش ابزاری و بخش حقيقي قابل تقسیم است. ایشان میفرمایند "بخش ابزاری، ارزش هایی است که امروزه به عنوان معیار پیشرفت کشور مطرح است که علم، اخلاق، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ را دربرمی گیرد. اما بخش حقيقي، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است. این، بخش حقيقي و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله ای خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف. ما اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامي بگیریم - بالاخره يك مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامي وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامي، ایجاد يك تمدن نوین اسلامي است؛ این تمدن نوین دو بخش دارد: يك بخش، بخش ابزاری است؛ يك بخش دیگر، بخش متنی و اصلي است. به هردو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سياسي و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه ای سیاست، هم در زمینه ای مسائل علمی، هم در اما بخش حقيقي، آن زمینه ای مسائل اجتماعي، هم در زمینه ای اختراعات چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقيقي و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله ای خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله ای خط، مسئله ای زبان، مسئله ای کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سياسي، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانها؛ اینها آن بخش های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است" (بیانات مقام معظم رهبري، 23/7/1391).

قرآن و جایگاه قوانین آن در تمدن اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردار است. به اعتقاد مقام معظم رهبری شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به "مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی" و نه فقط شیعه باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. ایشان هم چنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع محوریت قوانین الهی برگرفته از قرآن میدانند. معظم له میفرمایند: علت اهمیت بسیار قرآن کریم، جامعیت قوانین آن و جوابگویی به همه نیازهای فردی و اجتماعی بشر است" (بیانات مقام معظم رهبری، 26/6/90). هم چنین امام خمینی اعتقاد به محوریت قوانین قرآن را از پیش فرض‌های امت واحده و تمدن نوین اسلام دانسته اند. (امام خمینی، صحیفه، ص 449).

ب) محوریت ایمان

اولین هدف بعثت پیامبران، دعوت انسان‌ها به یکتاپرستی و ایمان به خداست. "و لقد بعثنا فی کل امه رسولان اعبداً و اجتنبوا الطاغوت" (نحل 36). در اندیشه رهبر معظم انقلاب در درجه اول نیاز تمدن نوین اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان میفرمایند: "بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. اگر ایمان باشد، این تمدن دارای علم و صنعت خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده‌ی همه‌ی اینها خواهد شد. آن جامعه‌ی که به دنبال توحید حرکت میکند، همه‌ی خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی، یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال میکنند.... جامعه‌ی بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه میشود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمیخواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده‌ی خدا باشد؛ جبهه‌ی عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده‌ی خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام میخواهد؛ میخواهد انسان بسازد، پس در درجه‌ی اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده‌ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است. در اخلاقیات و آداب زندگی اسلامی، همه‌ی آنچه را که مورد نیاز ماست، میتوانیم پیدا کنیم؛ باید اینها را محور بحث و تحقیق خودمان قرار دهیم" (بیانات مقام معظم رهبری، 23/7/1391).

مقام معظم رهبری عقلانیت و خردورزی را این گونه تعریف کرده اند: " ، تربیت عقلانی یعنی نیروی خرد انسانی را استخراج کردن، آن را بر تفکرات و اعمال انسان^۵ حاکم قرار دادن، مشعل خرد انسانی را به دست انسان سپردن، تا راه را با این مشعل تشخیص بدهد و قادر بر طی کردن آن راه باشد؛ این اولین مهم ترین مسئله است. علاوه بر این که در درجه ی اول در بعثت پیغمبر، مسئله ی عقل و دانایی مطرح شده است، در سرتاسر قرآن و تعالیم غیر قرآنی پیغمبر هم، هرچه شما نگاه میکنید، می بینید تکیه ی بر عقل و خرد و تأمل و تدبر و تفکر و این گونه تعبیرات است؛ حتی در روز قیامت از زبان مجرمان، قرآن میفرماید: علت این که ما دچار آتش دوزخ شدیم، این است که به عقل خود مراجعه نکردیم؛ لذا امروز که روز قیامت است، به این سرنوشت ابدی تلخ مبتلا شدیم. در زندگی همه ی پیغمبران دعوت به عقل در درجه ی اول است. این گنجینه ی خرد در دل من و شما هست. اشکال کار ما این است که مثل آن انسانی هستیم که بر روی گنجی خوابیده است، از آن خبر ندارد. وقتی به عقل وقتی مراجعه نمیکنیم و عقل را حاکم قرار نمیدهیم، عقل را تربیت وقتی نمیکنیم، زمام نفس را به دست عقل وقتی نمی سپریم، وضع ما همین است... . این گنجینه در اختیار ما هست، اما از آن استفاده نمیکنیم. آن وقت از بی عقلی و از جهل و عوارض فراوان آن دچار مشکلات فراوان زندگی در دنیا و آخرت می شویم... عقل است که انسان را به دین راهبرد می دهد، انسان را به دین می کشاند. عقل است که انسان را در مقابل خدا به عبودیت وادار می کند... لذا اول^۶ کار این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد؛ تکلیف ما هم این است" (بیانات مقام معظم رهبری، 29/4/1388).

(د) محوریت علم

در فرمایشات مقام معظم رهبری چراغ راه تحقق تمدن اسلامی مجاهده علمی است. روش شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان اجتهاد به معنای مصطلح آن یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشوانه آن وحی است که در این صورت علم میتواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی قرار بگیرد. ایشان در بیانات خود میفرمایند: "تجرب و جزم گرایی در خصوص یافته های علمی گذشتگان یا متفکران قبلی آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاد اندیشی راه برون رفت از این آفت است." (بیانات مقام معظم رهبری، 12/1379/9). البته تاکید ایشان به علم همراه با معنویت است.

(ه) محوریت اخلاق

اخلاق یکی دیگر از شاخصه های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری است. ایشان معتقدند که "معنویت و اخلاق همان عاملی است که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن قرن ها دنیا را اداره کرد و امروز هم دنیا مدیون تمدن اسلامی است؛ توجه به خدا و توجه به معنویت باعث تکوین این تمدن گردید و در غیر این صورت چنین تمدن ماندگاری با انگیزه ها و تلاشهای مادی به وجود نمی آمد" (بیانات مقام معظم رهبری، 21/11/1375). رهبر انقلاب شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته را معنویت متکی به دین اسلام میدانند و معتقدند که معنویت دینی زمینه ساز شناخت استعدادها و بهره گیری مناسب از آنها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد خواهد بود. ایشان میفرمایند: "مبانی کارگشای تمدن نوین اسلامی اسلام، خردورزی و اخلاق است که مایه اصلی فرهنگ صحیح است و بدون اینها پیشرفت اسلام و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت (بیانات مقام معظم رهبری، 23/7/91).

(و) محوریت تلاش جهادی

واژه تلاش جهادی در مواضع مقام معظم رهبری واژه ای کلیدی و استراتژیک است و از نظر ایشان موفقیت و تاییدات الهی مرهون کار و تلاش جهادی است. ایشان میفرمایند "همه تمدن سازیه‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه اش به معنی رنج کشیدن نیست. جهاد شورآفرین است. امروز که نیاز به این کار داریم کسی بیایده تنبلی و کسالت و انزوا و بیکارگی دعوت کن‌داینها میشود کفران نعمت الهی" (بیانات مقام معظم رهبری، 11/2/92)

(ز) نوگرایی

این رکن تمدن اسلامی میتواند موجد این معنا باشد که تمدن اسلامی ضمن اینکه به ارزشهای اصیل و اصول کتاب و سنت پای بند است، از تحجرو تعصب نیز به دور است. چنین مفهومی از نوگرایی دقیقا ملازم دین مداری و عقل گرایی است که قبلا به عنوان شاخصه های تمدنی یاد کردیم. از نظر آیت الله خامنه ای "تجدد و نوگرایی حقیقی و باز کردن میدان های تازه زندگی مطلوب اسلام است، این به برکت تامل، تعقل، کار درست، کار فکری، تلاش عملی، مجاهدت، استقبال از کار و خطر در همه میدان ها ، و همت ها را بلند کردن به دست می آید. ایشان نقطه مقابل چنین توصیفی از نوگرایی را سلفی گری و تحجر دانسته و آن را نقطه مقابل نگرش تمدنی میدانند و این گونه بیان میکنند که "سلفی گری اگر به معنی اصول گرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیای شریعت و نفی غرب زدگی باشد، همگی سلفی باشید و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت ورزی میان ادیان و مذاهب اسلامی ترجمه شود ، با نوگرایی و سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی اند سازگار نخواهد بود و

باعث ترویج سکولاریسم و بی دینی خواهد بود" (بیانات مقام معظم رهبری، 14/11/90).

ح) صدور احکام فقهی متناسب با نیازها و حوادث نوین

جامعیت قوانین اسلام به عنوان دین خاتمیت اقتضا میکند که مسائل جدید در حوزه تمدن اسلامی بی پاسخ نماند. اهمیت این بخش در حوزه های علمیه روشن تر از سایر بخش های فرهنگی است. مقام معظم رهبری نیز تأکید دارند که افراد مسلط به دانش روز برای پاسخ گویی به نیازهای بشر باید در حوزه های علمیه پرورش یابند. ایشان میفرمایند: "روزی که در جامعه و کشور ما صد نفر، پانصد نفر، هزار نفر شخصیت روحانی مانند امام وجود داشته باشند، شما ببینید چه حرکت عظیمی در جامعه ایجاد میشود. وقتی در جامعه ما صدها نفر شخصیت دارای دانش و دین و مسلط بر منطق و استدلال دینی در فلسفه و کلام، فلسفه جدید و محاجه با شبهه افکنان وجود داشته باشد، ببینید چه اتفاق عظیمی میافتد. وقتی به همین مجموعه هزاران کتاب، مجله و مقاله های علمی در سطح دنیا به زبان های مختلف منتشر شود، ببینید چه خورشید فروزانی از این نقطه عالم بر همه فضای فکری جهان پرتو خواهد افکند" (بیانات مقام معظم رهبری، 23/3/85).

ط) مدارا و سعه صدر

صبر و تحمل و استقامت و مقاومت از دیگر شاخصه های رسیدن به نتیجه مطلوب است. مقام معظم رهبری در بیاناتی میفرمایند: "استقامت یعنی راه را گم نکردن، فریب جلوه های مادی را نخوردن، اسیر هوی و هوس نشدن، دستورها و فرایض اخلاقی و معنوی و ادب اسلام را رها نکردن و به لذت طلبی و عشرت طلبی روی نیاوردن" (بیانات مقام معظم رهبری، 17/7/81).

ی) انضباط کاری

از نظر مقام معظم رهبری نظم و انضباط کاری از الزامات یک مجموعه و کارگروهی است. ایشان میفرمایند: "یک مجموعه ای و سپاه باید منظم باشد؛ این سپاه بودن، تکیه ای بر روی نظم، کار مدیریتی و نتیجه بخش بودن مهم است؛ وقتی پراکندگی بود، پریشانی به وجود می آید، خیلی از کارها هدر میرود، [امّا] وقتی سازمان و مجموعه و تشکیلات و نظم و انضباط برقرار بود، مثل جدول کشی در زیر یک سدّ پُر از آب است که اگر درست انجام بگیرد، یک قطره آب هدر نخواهد رفت و همه به محلّ مورد نیاز میرسد" (بیانات مقام معظم رهبری، 25/6/94).

مقام معظم رهبری استقامت، تحمل مشکلات و موانع را از شاخصه های تحقق تمدن نوین اسلامی میدانند. ایشان در بیانات خود، استقامت و ایستادگی را درس سرنوشت سازی از پیامبر اعظم برشمردند و با اشاره به تأکید پروردگار در قرآن مجید مبنی بر استقامت پیامبر و پیروانش افزودند: پیامبر اعظم، مسلمانان صدر اسلام را در مقابل هجوم پرجاذبه هواهای نفسانی و دنیای پرفریب و نیز تهاجم و تهدید و وعده های دشمنان بیرونی هدایت و رهبری کرد و امروز ما به چنین استقامتی نیازمندیم " (بیانات مقام معظم رهبری، 6/1/85).

2-5- مولفه های کارکردی تحقق تمدن نوین اسلامی

الف) نیروسازی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی

از عناصر موثر در تدوین و تحقق تمدن اسلامی، وجود نیروهای کارآمدی است که در این مسیر بتوانند هرکدام با مسئولیت پذیری و به تناسب تواناییهای خویش عهده دار بخشی از ساختن بنای عظیم تمدن اسلامی شوند. مقام معظم رهبری نقش نیروسازی توسط پیامبر اکرم در جریان شکل گیری تمدن نوپای اسلامی را این طور بیان میفرمایند: "بیست و سه سال، زمان کوتاهی است؛ سیزده سال از این مدت هم با مبارزات غریبانه گذشت؛ در مکه اول با پنج و ده و پنجاه نفر شروع شد و جمعیت معدودی در زیر فشارهای طاقت فرسای دشمنان متعصب، کور و جاهل توانستند مقاومت کنند؛ ستون های مستحکمی ساخته شد برای این که جامعه ای اسلامی و تمدن اسلامی بر روی این ستون ها قرار بگیرد. بعد هم خداوند متعال شرائطی را پیش آورد که پیغمبر توانست به مدینه هجرت کند و این تمدن را پی ریزی کند. همه ای مدتی هم که پیغمبر اکرم این نظام نوپا را پرداخت، ساخت، آماده کرد، ده سال شده است؛ یعنی يك مدت کوتاه. يك چنین حوادثی معمولاً در طوفان امواج حوادث دنیا گم میشود، از بین میرود، فراموش میشود، ده سال خیلی مدت کوتاهی است؛ اما در همین مدت پیغمبر اکرم توانست این نهال را آبیاری کند، وسیله ای رشد و نمو آن را فراهم کند؛ يك حرکتی را ایجاد کند که این حرکت يك تمدنی را آفرید و این تمدن بر اوج قله ای تمدن بشری در دوران مناسب خود قرار گرفت. یعنی در قرن سوم و چهارم هجری، در همه ای دنیای آن روز، با سابقه ای تمدن ها، با حکومت های مقتدر، با میراث های گوناگون تاریخی، هیچ تمدنی به عظمت و رونق تمدن اسلامی مشاهده نشده است؛ " (بیانات مقام معظم رهبری، 9/4/90).

ب) توجه جدی به جوانان

برای ساختن تمدن بزرگ در میان نیروهای انسانی مستعد، جوانان هر کشور با ویژگیهای برجسته شور و نشاط و قدرت جوانی و روحیه جسارت بهترین گزینه برای انجام کارهای بزرگ و در راس آن تمدن سازی اند. مقام معظم رهبری در جمع جوانان باور خویش را چنین فرمودند: "عقیده‌ای من این است که اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی، و اگر نشاط و روحیه و حالت تحرك و جسارت، یعنی خط شکنی‌ها، که در جوانها به عنوان خصیصه وجود دارد، نباشد، ما به آرمانها دست پیدا نخواهیم کرد. لذا جوان ها در زمینه‌ای دسترسی به آرمانها و تحقق آرمان های انقلاب و آرمان های اسلامی، دارای مسئولیتهای بزرگی هستند و کارآمدی بسیار بالائی هم دارند. هر کسی که در پی تحقق آرمان ها است، باید نقش جوان ها را جدی بگیرد؛ و بدانید بنده نقش جوان ها را جدی میگیرم" (بیانات مقام معظم رهبری، 6/5/92).

ج) اصل مهدویت به عنوان اصلی بنیادین در تمدن نوین اسلامی

لزوم تلاش برای برپایی تمدن اسلامی در پاسخگویی به عطش جهانی است. زیرا مردم جهان از وضعیت اسف بار کنونی خسته شده اند و به دنبال جهانی بهتر و وضعیتی مطلوب هستند تا در آن فضا رشدی همه جانبه پیدا کنند و بایستی با در نظر گرفتن نقطه مطلوب و نهایی که همان آینده روشن برای بشریت و تامین نیازهای حقیقی انسان برای رسیدن به سعادت و کمال است، به سوی آن حرکت کرد. آینده روشن در اندیشه مقام معظم رهبری همان رسیدن به تمدن اسلامی است که مصداق کامل آن در زمان ظهور و تشکیل حکومت و تمدن جهانی مهدوی خواهد بود که از آن به مهدویت تعبیر میشود. ایشان میفرمایند: "معنای انتظار فرج ، این است که مؤمن به اسلام، مؤمن به مذهب اهل بیت، وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر میداند. منتظر است که این فروبستگی کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا بکند. مسئله، مسئله ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست؛ امام زمان برای اینکه فرج برای همه ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه، بلکه تاریخ آینده ی بشر را نجات بدهد. این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیرعادلانه، این نظم بشری ای که در آن انسان های بیشماري مظلوم واقع میشوند، مورد رد و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسان ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است... یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت گستری بیاید و این غلبه ی ظلم و جور را که همه ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکنند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند تا انسان ها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشگی يك انسان زنده و آگاه است؛ انسانی که سر در پيله ی خود نکرده باشد؛ انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه میکند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد. این

معنای انتظار است. انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود. زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلّم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت بن الحسن، مهدی صاحب زمان تحقق پیدا خواهد کرد" (بیانات مقام معظم رهبری، 27/5/87).

بنابراین در منظر ایشان مهدویت همان چشم انداز نهایی و همان نقطه اکمل و مطلوب حرکت به سوی ساخت تمدن اسلامی است. دانستن این مطلب از این جهت ضروری است که همگان باید در برنامه ریزی خود آن نقطه آرمانی منظور امام زمان و تشکیل تمدن اسلامی به دست خود امام زمان را هدف قرار داده و در طرح ریزی خود از آن الگو استفاده کنند.

(د) ترویج سبک زندگی اسلامی بر اساس هویت ایرانی-اسلامی

شاخصه سبک زندگی و تبیین عملی و کاربردی آن متناسب با هویت ایرانی-اسلامی از شاخصه های مهم در زمینه سازی تمدن نوین اسلامی است. از منظر ایشان اگر هدف زندگی رسیدن به فلاح و رستگاری است، سبک زندگی در تحقق آن اهمیت زیادی دارد. ایشان معتقدند که اگر به رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. ایشان سبک زندگی را بخش اصلی و حقیقی تمدن نوین اسلامی دانسته و میفرمایند: تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش ابزاری؛ و یک بخش متنی و اصلی. بخش ابزاری عبارت از ارزش هایی است که امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح است مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ و بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است. مثل مسئله ای خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله ای خط، مسئله ای زبان، مسئله ای کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، مدرسه، فعالیت سیاسی، رفتار در ورزش، رسانه ها، رفتار با پدر و مادر، همسر، فرزند، رئیس، مرئوس، پلیس، مأمور دولت، سفرها، نظافت و طهارت که در متن زندگی انسان است (بیانات مقام معظم رهبری، 23/7/91). به اعتقاد معظم له تمدن نوین اسلامی در بخش اصلی از این مولفه ها تشکیل میشود و بخش سبک زندگی را بخش نرم افزاری تمدن اسلامی می‌شمرند و معتقدند که پیشرفت تمدن اسلامی مرهون پیشرفت و کار در این بخش نرم افزاری است. ایشان میفرمایند: "اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه ای پیشرفت هایی که در بخش اول کردیم، نمی تواند ما را رستگار کند؛ نمی تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ هم چنان که می بینید در دنیای غرب نتوانسته است؛ در آن جا افسردگی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسان ها در اجتماع و در خانواده هست، بی هدفی و پوچی هست" (بیانات مقام معظم رهبری، 23/7/91). ایشان در ادامه آسیب

شناسی در این حوزه را وظیفه نخبگان فکری و سیاسی، جوانان، رسانه ها، تربیون های فرهنگی و برنامه ریزان آموزشی و فرهنگی میدانند و ایجاد گفتمان سبک زندگی در محیط اجتماعی را زمینه ساز درخندگی ملت ایران در دنیا و گسترش اندیشه‌ی اسلامی ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران در دنیا می‌شمرند. ایشان در تبیین آسیب شناسی سبک زندگی به موضوعاتی همچون ضعف فرهنگ کار گروهی، آسیب های اجتماعی هم چون طلاق و مواد مخدر، ضعف فرهنگ صله رحم، فرهنگ بد رانندگی، آپارتمان نشینی، الگوهای تفریحی، نوع معماری و ... اشاره نموده و به طور کلی دیدگاه ایشان در خصوص آسیب شناسی سبک زندگی، حوزه های رفتاری در خانواده و اجتماع را در بر میگیرد. ایشان تقلید از فرهنگ غربی را یکی از عوامل آسیب زا در این حوزه معرفی میکنند و خصوصاً بر روی فرهنگ مصرف گرایی و حقوق افراد در خانواده که متأسفانه تحت تاثیر فرهنگ غربی است تأکید و توجه ویژه دارند. ایشان در ادامه به بحث فرهنگ زندگی اشاره کرده و تبیین و تدوین و اسلامی کردن فرهنگ زندگی را اصلی مهم و قابل تأمل می‌شمرند و می‌فرمایند: "يك مقوله‌ای در اینجا مطرح میشود به عنوان مقوله‌ی فرهنگ زندگی، باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بُن مایه‌های يك چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بُن مایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هرچه ما در صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده‌ایم" (بیانات مقام معظم رهبری، 23/7/91). ایشان در ادامه الزامات کاربردی در این زمینه را 1- تفسیر صحیح از زندگی و هدف زندگی 2- انتخاب و تبیین سبک زندگی بر اساس ایمان و اعتقاد و 3- حرکت براساس ایدئولوژی و مکتب میدانند. معظم له خصوصاً به لزوم ایدئولوژی و مکتب توجه ویژه دارند و تأسیس تمدن اسلامی را لازمه آن می‌شمرند و در ادامه در خصوص تقلید کورکورانه و پیروی از فرهنگ دیگران هشدار جدی میدهند. به نظر ایشان الگوسازی انسانی در تحقق سبک زندگی اسلامی و به دنبال آن تمدن اسلامی، انسان با ایمان قدرتمند و با وجه ایمان و عبودیت است. به اعتقاد ایشان متولیان الگوسازی فرهنگی و انسانی حوزه های علمیه و محققان و دانشوران هستند که در خصوص اخلاقیات و آداب اسلامی باید کار کنند و می‌فرمایند که منبع این تحقیقات همان منابع اسلامی ما هستند.. ایشان در خصوص تقلید از فرهنگ غربی و آثار زیان بار آن مجدداً هشدار داده و می‌فرمایند: " نکته‌ی دومی در اینجا وجود دارد و آن این است که ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگوئی و تحمیل، تمدن غربی است.... تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتّی آن کشورهایی که بظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، يك

فرهنگ مهاجم است...هرجا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ های بومی را نابود کردند، بنیان های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آن جایی که توانستند، تاریخ ملت ها را تغییر دادند، زبان آن ها را تغییر دادند و بنیان های فرهنگی و اعتقادی را از بین بردند." ایشان از دیگر آسیب های فرهنگ غربی به "عادی سازی گناه، زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت، عادت در زمینه تقلید اشاره میکنند. البته به اعتقاد ایشان کار فرهنگی مستلزم حرکتی تدریجی و زمان بر است و به یکباره محقق نمی‌شود. اگر بخواهیم اقدامات کاربردی در زمینه سبک زندگی با هدف تحقق تمدن اسلامی را خلاصه کنیم میتوان به موارد زیر اشاره نمود.

1- تبیین و تدوین مفهوم پیشرفت2- شناخت و تبیین ابعاد پیشرفت همه جانبه 3- تبیین و تعریف سبک زندگی و ابعاد آن4- تبیین بخش ابزاری تمدن اسلامی و برنامه ریزی پیشرفت در ابعاد مختلف آن5- شناخت ابعاد فردی سبک زندگی و برنامه ریزی ابعاد مختلف آن 6- شناخت ابعاد اجتماعی سبک زندگی و برنامه ریزی ابعاد مختلف آن7- آسیب شناسی حوزه های مختلف سبک زندگی 8- تدوین سرفصل های مناسب آموزشی و فرهنگی سبک زندگی 9- اسلامی سازی و بومی سازی مولفه های سبک زندگی 10- تبیین مقوله "فرهنگ زندگی"11- برنامه ریزی جهت تحقق بن مایه های فرهنگ زندگی 12- تبیین فرهنگ زندگی بر اساس ایمان و اعتقاد13- تبیین ایدئولوژی سبک زندگی و مبارزه با "ایدئولوژی زدایی"14- پرهیز از تقلید 15- تبیین الگوی انسان سازی براساس الگوی انسان با ایمان و عابد16- تبیین الگوی سلوک عملی در اجتماع 17- حفظ بن مایه های فرهنگی و هویتی و خط و زبان 18- استفاده از عامل و ابزار هنری برای ترویج فرهنگ و هویت ایرانی اسلامی 19- پرهیز از سطحی نگری، ظاهر گرایی و تحجر 20- پرهیز از سکولاریزم آشکار و پنهان در برنامه ها و شعارها21- استفاده از قدرت و ظرفیت فرهنگی انقلاب اسلامی

هـ) تقویت مسجد به عنوان پایگاه مقبول اجتماعی

برای ایجاد و گسترش و همگانی کردن تمدن نوین اسلامی در جوامع اسلامی لازم است به این پایگاه مهم توجه کافی مبذول گردد. در همه کشورهای اسلامی نهادی به چشم میخورد که قدرت قادر به دسترسی آن نیست و آن نهاد مسجد است. مسجد به واسطه ارتباط مستقیم میان ارتباط گران و مخاطبان، روابط چهره به چهره و دریافت بازخوردهای فوری و تاثیرات عاطفی به عنوان نقطه اتکا و مرکز ثقل سازمان جامعه به ایفای نقش میپردازد و میتواند بنیان های اساسی یک تمدن نوین اسلامی را پایه ریزی کند. (طوفانی، 1392). مقام معظم رهبری نیز مسجد را منشا آثار بزرگ و نهضت ها و حرکت های بزرگ دانسته و میفرمایند: "مسجد، نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضت ها و حرکت های اسلامی بزرگی شده است." (بیانات مقام معظم

رهبري، 19/10/75). هم چنين مساجد را كانون حركت هاي انقلابي و تبليغي و فرهنگي ميدانند و ميفرمايند "در همه ي مراحل اين تاريخ پرافتخار، مساجد هميشه پاينگاه دينداري و حركت مردم در جهت دين بوده است. انقلاب از مساجد شروع شد؛ امروز هم در هنگامي كه حركت و بسيج مردم مطرح ميشود - چه سياسي و چه نظامي - باز مساجد كانون ولي مسجد، به طور كلي به عنوان يك پاينگاه، دين و عبوديت، پاينگاه معرفت، ميتواند براي جوامع اسلامي منشاء و سرآغاز حركات بزرگ و بركات ماندگار باشد" (بيانات مقام معظم رهبري، 14/12/70). هم چنين ايشان اقبال مردم به مساجد را فرصتي جهت انجام كارهاي تبليغي بزرگ و هسته اي جهت تعليم و تربيت و روشننگري ميدانند. معظم له در ادامه ميفرمايند: "يك يكي از علل پيروزي انقلاب و سهولت اين پيروزي اين بود كه مردم به مساجد اقبال پيدا كردند، جوان ها مساجد را پر كردند، علماي اعلام مساجد را به عنوان يك مركزي براي تعليم، براي تربيت، براي روشننگري افكار و اذهان مورد استفاده قرار دادند؛ و مسجد شد مركزي براي حركت، براي آگاهي، براي نهضت، براي افشاي اسرار زمامداران فاسد و خود فروخته رژيم طاغوت" (بيانات مقام معظم رهبري، 19/10/75).

به كارگيري ابزارهاي تبليغي جهت ظرفيت سازي تمدن اسلامي

از نظر مقام معظم رهبري تبليغ داراي سه ركن است: منشأ تبليغ، هدف تبليغ و ابزار و شيوه هاي تبليغ. ايشان منشأ تبليغ را فكر، اندیشه، خردمندي، اخلاص و معنويت ميدانند و اين كه تبليغ از يك منبع نوراني سرچشمه بگيرد. ايشان ميفرمايند: "اگر اين تبليغ از روي هواي نفس، انگيزه هاي ناسالم و بي اعتنايي به اصل كار شد، تأثير آن هم تأثير آن سرچشمه فيضي نخواهد بود كه از يك منشأ عزيز و پُر بار حقيقي سرچشمه ميگيرد. منشأ بايد هم فكر و اندیشه و مطالعه و تأمل و تدبّر باشد و هم اخلاص و نصيح و علاقه به مخاطب كه براي او تبليغ ميكنيم". ايشان هدف تبليغ را عبوديت دانسته و البته معتقدند كه اين عبوديت عرصه فردي، سياسي و اجتماعي را در بر ميگيرد. به فرموده ايشان "هدف، كشاندن مردم به عبوديت است؛ منتها عبوديت منطقه وسيعي در زندگي انسان دارد و آن منطقه به عمل شخصي منحصر نيست" (بيانات مقام معظم رهبري، 3/10/76). ايشان روي روشها تاكيد کرده و ميفرمايند: "روش ها خيلي مهم" است. در همين آيه مباركه «ادع الي سبيل ربك بالحكمة» ، روش را بيان فرموده است؛ سخن حكمت آميز، يعني سخن محكم، غيرمشتبه، غيرموهون و غير ضعيف كه همان حكمت است. «بالحكمة والموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي احسن". به دليل همين نگاه گسترده ايشان در اين زمينه، شاخصه تبليغات و ابزارهاي تبليغاتي و نقش موثر آن در تبين سبك زندگي، فرهنگ سازي، اميد و تبين آينده، اين مقال ابزار تبليغي را به عنوان يكي از شاخصه هاي ظرفيت سازي تمدن اسلامي معرفي ميكند.

فرهنگ پیشرو تشیع به عنوان عامل بسترساز در پیروزی انقلاب اسلامی در مرحله تمدن سازی هم از قابلیت بسیاری برخوردار است. این فرهنگ به لحاظ ارائه عناصر تمدن ساز، انگیزه بخش و غایت آفرین، میتواند نقش راهگشایی در خلق تمدن نوین اسلامی ایفا کند. دولت های اسلامی در قرون گذشته هرچند نتوانستند به سطح تمدن سازی اصیل اسلامی نائل شوند، ولی بهره گیری هرچند اندک از ظرفیت های فرهنگی و سیاسی تشیع، بستری را برای توسعه و پیشرفت در عرصه های هنری، اقتصادی، علمی و فرهنگی فراهم نمود. چنان چه مورخان و مستشرقان از این دوره به نام های "عصر شکوهمند اسلامی" و "رنسانس اسلامی" یاد کرده اند. (کرمر، 1375، ص 34). فرهنگ و آموزه های تشیع یک فرهنگ پیشرو است و نه منفعل و پس رو که عناصر آن به این قرار است: 1- جهت دهی و تحقق آرمان شهر 2- پویایی و انگیزه بخشی و 3- وجود عناصر تمدن ساز در پیکره آن. علامه جوادی آملی این ظرفیت تمدن ساز را به زیبایی تشریح نموده اند: "منظومه ولایی تشیع سازواره ای منسجم از نظامات فرهنگی، حقوقی و سیاسی و توابع هریک از این هاست که ارکان اصلی نظام تمدنی را شکل میدهد که هریک هماهنگ و همسو با سایر اجزای نظام و البته با کارکردهای خاص خود زمینه را برای برپایی تمدنی کمال یافته که بر دو اصل "توحید و لوازم آن" و "عدالت و توابع آن" استوار است، فراهم میآورد" (جوادی آملی، 1388، ص 88). از عناصر فرهنگی تشیع در بعد تمدن سازی میتوان به "فرهنگ بسیج سازی" اشاره نمود. زیرا از ویژگی های بارز فرهنگ های مولد و تمدن ساز، توان بسیج توده های مردمی در جهت آرمان مشترک و به کارگیری آن ها در ساختن نظام نوین های تشیع میتوان به عناصری هم چون رهبری عالمانه، عقلانیت، شریعت محوری، تحقق جامعه آرمانی در قالب فرهنگ مهدویت و انتظار، پویایی بخشی و خرد ورزی هم اشاره نمود که قبلا در بخش مجزایی هر کدام در قالب شاخصه های تمدن نوین اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

6- لزوم آینده نگری و ترسیم چشم انداز برای حوزه ها

مقام معظم رهبری با نگاه به افق آینده و رشد و پیشرفت ناشی از دانش و تکنولوژی در همه جوامع تنها راه بقا و ماندگاری حوزه را آینده نگری و برنامه ریزی درست مدیران و صاحب نظران دانسته و میفرمایند "امروز را نگاه کنید. فردایی وجود دارد، این فردا چگونه است؟ اگر امروز ارکان حوزه یعنی مدیران، صاحب نظران، اساتید، برجستگان همت نکنند، درست فکر نکنند و برنامه ریزی نکنند، حوزه بیست

سال دیگر از لحاظ سطح و عمق و عرض و طول و توسعه ی نفوس، از حالا به مراتب بهتر خواهد بود. اگر این آینده نگری امروز در حوزه ی قم انجام نگیرد و به وضع موجود راضی باشیم؛ فردا حوزه ای رو به انحطاط خواهیم داشت. باید این فکر را در حوزه نهادینه کنید. هم مدیران حوزه، هم شورای عالی حوزه، هم بزرگان حوزه، هم حضرات مراجع باید به فکر حوزه در سی سال آینده باشیم. دنیائی که احتمالاً هیچ شباهتی با امروز ندارد؛ از لحاظ امکان اثرگذاری، تسخیر دل ها، تسخیر سرزمین ها. حوزه ی علمیه می خواهد عقب بماند؟ سی سال آینده را به همین قیاس کنید؛ مدیران حوزه، فضلاء حوزه، صاحب نظران حوزه باید همتشان این باشد. بنابراین در شیوه ی آموزش، پژوهش، کتب درسد؛ تحول می خواهد...". (بیانات مقام معظم رهبری، 8/9/86). همان طور که قبلاً اشاره شد حوزه علمیه به عنوان یکی از متولیان جدی عرصه فرهنگی در کشور نیاز جدی به ترسیم چشم انداز فرهنگی و در حوزه مسائل فرهنگی دارد. مقام معظم رهبری نظریه پردازی در زمینه تدوین سیاست های فرهنگی را وظیفه حوزه و روحانیت میدانند و در این زمینه میفرمایند: "نظریه پردازی سیاسی و نظریه پردازی در همه ی جریانهای اداره ی یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده ی علمای دین است. آن کسانی میتوانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند؛ اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه های غربی، ن غیرو دینی و مادی جای آنها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه ای در خلأ نمی تواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی، اقتصادی و سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته ی اذهان مادی است، می آید جایگزین میشود؛ وقتی اینها رائج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت میشوند؛ همین مدیران می آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار میگیرند. حوزه های علمیه و علمای دین پشتوانه های هستند که موظفند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند... برای برنامه ریزی، برای زمینه سازی های گوناگون. پس نظام اسلامی پشتوانه اش علمای دین و علمای صاحب نظر و نظریات اسلامی است" (بیانات مقام معظم رهبری، 29/7/89). مقام معظم رهبری در سال 1379 نیز در جمع روحانیون و فضلاء حوزه علمیه قم در پاسخ به این که نقش آفرینان تمدن اسلامی چه کسانی هستند، علمای دین و حوزه های علمیه را مهم ترین نقش آفرینان تمدن اسلامی دانسته و میفرمایند "بدون شک مدیران جامعه و آحاد مردم جزء نقش آفرینانند، اما نقش علمای دین یک نقش یگانه است. مدیران جامعه هم برای این که بتوانند دست نقش آفرینی کنند، به علما احتیاج دارند. نقش آفرینی را به علمای دین منحصر نمی کنیم، اما جایگاه نقش آفرینی علمای دین را از همه جایگاه های دیگر برجسته تر میبینیم. به این دلیل روشن که در این راه، اندیشه دینی و ایمان دینی برای انسان ها لازم است. تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند، دیگری نمی تواند این کار را انجام دهد" (بیانات مقام معظم رهبری، 29/7/89).

با مقایسه این مباحث در حوزه وظایف روحانیت و شاخصه های تمدن نوین اسلامی و با نظر به اشاره صریح مقام معظم رهبری به نقش حوزه ها در تمدن سازی و نیز لزوم ترسیم چشم انداز برای حوزه های علمیه نتیجه گیری میشود که حوزه های علمیه در ترسیم چشم انداز فرهنگی خود بایستی کاملاً شاخصه های فرهنگی را شناسایی کرده و مولفه های چشم اندازی خود را براساس مولفه ها و شاخصه های تمدن نوین اسلامی طراحی نمایند. از آنجا که چشم انداز هر سازمان بر اساس شناخت نقطه ای که در آن ایستاده ایم و نقطه ای که میخواهیم به آن برسیم برنامه ریزی میشود و طبیعی است که ایده آل حرکت و آینده مطلوب در نظام اسلامی همان تشکیل تمدن نوین اسلامی و رسیدن به مولفه ها و شاخصه های آن در سطح آرمانی است. این مقاله با بررسی دقیق شاخصه ها به این نتیجه رسیده که کلیه شاخصه های تمدن نوین اسلامی در 5 بخش 1- نظریه پردازی و تدوین سیاستهای فرهنگی 2- اجرای قوانین و سیاستهای فرهنگی 3- تربیت نیروی انسانی 4- برنامه های تبلیغاتی و 5- روابط بین الملل و تعامل با سایر ملل قابل دسته بندی است.

نظریه پردازی و تدوین قوانین چه در بخش فقهی و چه فرهنگ سازی از وظایف اصلی حوزه های علمیه است. در این مجموعه، می توان ده شاخص مولفه تمدن نوین اسلامی را به عنوان زیرمجموعه های این بخش قرارداد. در بخش استخراج شاخص های فرهنگی از سخنان مقام معظم رهبری ما در این بخش به شاخصه های زیر رسیدیم: 1- - اجتهاد پویا 2- ایجاد احساس هویت و خودباوری 3- تبیین مبانی نظری و فلسفی در زمینه سبک زندگی 4- محوریت عقل و خردورزی 5- محوریت توحیدگرایی 6- تقویت هویت ایرانی-اسلامی 7- تقویت حس کرامت 8- ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر 9- تغییر نگرش به نقش خانواده 10- نوآوری و پرهیز از تقلید

بعد از نظریه پردازی و اجرای قوانین ، نوبت به سیاستهای اجرایی در بخش قوانین و سیاست های فرهنگی میرسد که چشم انداز فرهنگی باید در این بخش نیز برنامه و سیاستگذاری داشته باشد. در این مجموعه ، میتوان شش شاخص مولفه تمدن نوین اسلامی را به عنوان زیرمجموعه های این بخش قرارداد.

3- تربیت نیروی انسانی

بعد از اجرای قوانین و سیاست های فرهنگی ، نوبت به تربیت نیروی انسانی چه در بخش مدیریت و چه تربیت طلاب و تربیت نیروی انسانی در جامعه میرسد که چشم انداز فرهنگی باید در این بخش نیز برنامه و سیاست گذاری داشته باشد. در این مجموعه ، میتوان چهار شاخص مؤلفه تمدن نوین اسلامی را به عنوان زیرمجموعه های این بخش قرارداد.

3- برنامه های تبلیغاتی

بعد از بخش تربیت نیروی انسانی نوبت به تدوین و سیاستگذاری و اجرای برنامه های تبلیغاتی در حوزه میرسد که چشم انداز فرهنگی باید در این بخش نیز برنامه و سیاستگذاری داشته باشد. در این مجموعه، می توان چهار شاخص مولفه تمدن نوین اسلامی را به عنوان زیرمجموعه های این بخش قرارداد

4- روابط بین الملل و تعامل با ملل اسلامی

حوزه های علمی در تدوین چشم انداز فرهنگی باید در بخش بین الملل و تعامل با ملل اسلامی برای تحقق تمدن نوین اسلامی نیز برنامه و سیاستگذاری داشته باشد. در این مجموعه، میتوان چهار شاخص مولفه تمدن نوین اسلامی را به عنوان زیرمجموعه های این بخش قرارداد.

1. ابن خلدون، عبدالرحمن، 1375، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمی-فرهنگی
2. آدمی، برقویی، 1387، درآمدی بر دانشگاه تمدن ساز اسلامی، بایسته های نظری، تهران: انتشارات دفتر برنامه ریزی و مطالعات فرهنگی
3. اصفهانی، حسین بن محمد، 1415 ق، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم، الدار الشامیه
4. جان احمدی، فاطمه، 1388، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف
5. جعفری، علامه محمد تقی، 1373، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، جلد 6، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
6. جوادی آملی، عبدالحق، 1388، جامعه در قرآن، تفسیر موضوعی قرآن، قم: اسراء
7. جهان بین، فرزاد، معینی پور، مسعود، 1393، " فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت الله خامنه ای " مطالعات انقلاب اسلامی، س 11، ش 39، صص 29-46
8. خامنه ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، 14/6/92،
9. _، بیانات مقام معظم رهبری در اجلاس «علما و بیداری اسلامی» در تهران 9/2/92
10. _، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی 7/23/91
11. _، بیانات مقام معظم رهبری در سالروز عید سعید مبعث 29/4/88

12. _، بیانات مقام معظم انقلاب اسلامی در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر 79 / 9/12
13. _، بیانات مقام معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم شاهرود 20/8/85
14. _، بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز عید فطر 21/11/75
15. _، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان 11/2/92
16. _، بیانات مقام معظم رهبری خطبه های نماز جمعه تهران 14/11/90
17. _، بیانات مقام معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون 23/3/85
18. _، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار 17/7/81
19. _، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی 94 / 25/6
20. _، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار عمومی بسیجی 6/1/85
21. _، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان 6/5/92 □
22. _، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 27/5/87
23. _، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی ماه 75 / 19/10
24. _، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیون در آستانه ماه مبارک رمضان 3/10/76

25. _، بیانات مقام معظم رهبری در پایان چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه 70 / 27/6
26. _، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان فردوسی مشهد 25/2/86
27. _، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، مبلغان و پژوهشگران حوزه های علمیه کشور 8/9/86
28. _، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم 29/7/89
29. رجبي دواني، محمد حسين، خزاغي، علي، 1394، " تمدن نوین اسلامی اثر گذار بر ساخت درونی استحکام نظام جمهوری اسلامی ایران" مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد، 16 مهر 94.
30. سپهری، محمد، 1385، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران: نورالثقلین
31. طوقانی، ابودر، 1392، عوامل و زمینه های شکوفایی تمدن اسلامی، تهران: بی نا
32. عمید، حسن، 1389، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران: انتشارات اشجع
33. فوزی، یحیی و صنم زاده، محمودرضا، 1391، " تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی" فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، سال سوم، شماره 9
34. کرمر، جوئل، 1375، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
35. ملاشاهی، مریم، 1394، "اقتضات تحقق تمدن نوین اسلامی"مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد، 16 مهر 94.
36. ملکی، حسن، 1393، " اخلاق، معنویت و تمدن اسلامی"، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی،

37. ملایي، حسن، 1394، جایگاه و کارکرد آموزه های مهدویت و انتظار در شکل گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خامنه ای "پژوهش های مهدوی، سال سوم، ش 12

38. مصطفوي، حسن، 1360، التحقيق في كلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

ولایتي، علي اکبر، 1384، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد 1، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ سوم

[\[1\]](#). طلبه پایه دو حوزه علمیه خدیجه کبری(س) و کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی، تابستان 96